



مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی «ره»

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته: تفسیر و علوم قرآنی

عنوان پایان نامه

نقش تقوا در کمال انسان از دیدگاه قرآن کریم

استاد راهنما

حجه الاسلام و المسلمین اسمعیل سلطانی

استاد مشاور

حجه الاسلام و المسلمین سید احمد فقیهی

دانش پژوه

سید محمد نمازی خیر آبادی

آذر ۱۳۹۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

همه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه، اقتباس از این پایان نامه یا رساله برای مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» محفوظ است. نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

تقديم و اهداء

این اثر ناچیز و ناقابل را همراه با عرض سلام و تحیت به محضر شریف

«كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ بَابُ الْهُدَى وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى»

حضرت حجة بن الحسن المهدی «عجل الله تعالى فرجه الشريف»

هدیه نموده و خاضعانه عرض می نمایم؛

«يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَكْنَا الضُّرُّ وَ جِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ

فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ»

«یوسف، ۸۸»

تقدیر و تشکر

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ»

ما کجا و سفره بی پایان معارف الهی قرآن مجید کجا؟

ما کجا و سفره توسل به قرین قرآن کجا؟

ما کجا و بهره‌مندی از ریزه‌خواران سفره ایشان کجا؟

ما کجا و قلم زدن در مقابل کسانی که از حکمت الهی سیراب شده‌اند کجا؟

ما کجا و فهم ذره‌ای از معارف قرآنی کجا؟

ما کجا و فهم یا ایها الناس انتم الفقراء الى الله کجا؟

خدا را شاکر ولی او را ذاکر؛ بخاطر لطف خداوندی و عنایات معصومین «علیهم السلام» و الطافی که به برکت قیام حضرت امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» نصیب شد و به برکت وجودی حضرت آیت الله خامنه‌ای «مدظله العالی» در جمهوری اسلامی ادامه یافت... و سفره معرفتی که در کنار قرآن به دست مفسر عالی‌قدر عالم تشیع مرحوم علامه طباطبایی «رضوان الله تعالی علیه» فراهم شده و الطاف پدرانه حضرت علامه مصباح یزدی «حفظه الله تعالی» و برکاتی که خداوند به دست ایشان فراهم کرده است. و سپاس فراوان از اساتیدی که به دست ایشان تربیت شده‌اند؛ هم‌چون آیت الله رجبی «دامت افاضاته»، استاد راهنمای عزیز و دلسوزم حجه الاسلام والمسلمین استاد اسماعیل سلطانی و استاد مشاور عزیز و گرانقدرم حجه الاسلام والمسلمین استاد سید احمد فقیهی و استاد داور حجت الاسلام والمسلمین استاد محمدرضا امین «زید عزم» که در این مدت با راهنمایی‌های ارزشمند خود باعث تصحیح و تکمیل این پژوهش شدند.

و از همسر و همراهم که در طول دوران نگارش پایان‌نامه زحمات فراوانی را متحمل شد و با صبر و بردباری بنده را در رفع موانع یاری رساند، صمیمانه تشکر می‌کنم.

در پایان از مادرم حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا «سلام الله علیها» می‌خواهم برای این عزیزان کریمانه‌ترین روزی‌ها را رقم بزنند. که مادر است واسطه فیض و این فرزندان کمترین‌شان توان جبران لطف عزیزان را ندارد.

چکیده

کمال انسان یکی از مهم‌ترین مسائل علوم انسانی است که درباب آن آثار فراوانی نوشته شده است. از جمله مسائلی که در باب کمال انسان مطرح می‌گردد عوامل مؤثر در رسیدن به کمال است. از شمار مسائل مطرح به عنوان عامل مؤثر در کمال انسان تقواست. در این پایان‌نامه تلاش شده با جمع‌آوری، دسته‌بندی و تحلیل آیات به روش تفسیر موضوعی، و با روش توصیفی تحلیلی نقش تقوا در رسیدن به ابعاد کمال انسان بررسی شود. بنابر یافته‌های تحقیق ابعاد نفس عبارتند از؛ بینش‌ها «آنچه که از مقوله علم و ادراک است»، گرایش‌ها «آنچه از مقوله امیال و محبت‌های انسان است» و توانایی‌ها «آنچه که مبدأ فعالیت ما می‌شود چه فعالیت‌های جوارحی چه جوانحی». هرکدام از این ابعاد در جایگاه خود کمالاتی مختص خود را دارند که حاکی از دارایی و غنای حقیقی آن بُعد است.

در فصل دوم به تبیین برخی از کمالات مهم انسان مثل شناخت خداوند، معرفت نسبت به پیامبرگرامی اسلام و ولیاء الهی علیهم السلام و نقش تقوا در آنها می‌پردازیم.

در فصل سوم به تبیین امیال کمال‌جوی انسان و نقش تقوا در آنها می‌پردازیم.

در فصل چهارم به دلیل بروز و ظهور توانایی‌های انسان در رفتارها به تبیین برخی کمالات رفتاری و نقش تقوا در آنها می‌پردازیم.

تقوا به معنای یک نوع رفتار خاصی که به جهت ترس از به خطر افتادن سعادت ابدی در وجود انسان شکل می‌گیرد، در ایجاد، شکوفایی، زمینه سازی و رفع مانع این کمالات نقش آفرینی می‌نماید. البته یادآوری این نکته لازم است که در بخش نقش تقوا در کمال توانشی به دلیل ظهور و بروز توانایی در رفتار به نقش تقوا در رفتار می‌پردازیم.

واژگان کلیدی:

قرآن کریم، تقوا، ابعاد کمال، کمال بینشی، کمال گرایشی، کمال رفتاری

۱	فصل اول: کلیات و مفاهیم
۱	۱. کلیات
۲	۱.۱ بیان مسئله
۳	۱.۲ پرسشهای تحقیق
۳	۱.۳ پیشینه تحقیق
۵	۱.۴ فرضیه تحقیق
۵	۱.۵ اهمیت مسأله
۶	۱.۶ ضرورت تحقیق
۶	۱.۷ روش و ابزار گردآوری اطلاعات
۶	۱.۸ روش پردازش اطلاعات
۶	۱.۹ اهداف و کاربردهای تحقیق
۶	۲. مفاهیم
۷	۲.۱ مفهوم شناسی تقوا
۱۴	۲.۲ مفهوم شناسی کمال
۲۱	فصل دوم: نقش تقوا در کمالات بینشی
۲۲	پیش گفتار
۱	۱. شناخت خدا و صفات او
۲	۲. شناخت راهنمایان دین
۳	۳. فهمیدن کلام الهی «قرآن کریم»
۴	۴. بصیرت
۳۸	۵. شناخت عمیق حق

۴۱	چکیده فصل دوم؛
۴۲	فصل سوم: نقش تقوا در کمال گرایشی انسان
۴۳	پیش گفتار
۴۳	تعریف و اقسام گرایش های انسان
۴۵	۱. حقیقت جویی
۴۵	۱.۱. هدایت طلبی
۴۸	۲. قدرت طلبی
۴۸	۲.۱. عزت طلبی
۵۰	۲.۱.۱. نقش تقوا در عزت طلبی
۵۲	۳. عواطف
۵۲	۳.۱. محبت نسبت به ذات اقدس الهی
۵۸	۱. احساسات و انفعالات
۵۹	۱.۱. احساس قلبی انسان نسبت به عظمت خداوند
۶۷	چکیده فصل سوم؛
۶۸	فصل چهارم: تأثیر تقوا بر کمال رفتاری انسان
۶۹	پیش گفتار
۶۹	تعریف و انواع رفتارهای انسان
۷۰	۱. رفتارهای الهی انسان
۷۰	۱.۱. ایمان
۷۴	۱.۲. عبادت

۱.۲.۳	عبادت در اصطلاح قرآن کریم.....	۷۵
۱.۲.۴	اثرگذاری تقوا در عبادت‌های انسان.....	۷۷
۲	رفتارهای فردی انسان.....	۷۸
۲.۱	اکل و شرب.....	۷۸
۲.۱.۱	خوردن و آشامیدن در قرآن کریم.....	۷۸
۲.۱.۲	اثرگذاری تقوا در این نوع رفتار.....	۸۰
۲.۲	نکاح.....	۸۱
۲.۲.۱	مفهوم نکاح در قرآن کریم.....	۸۱
۲.۲.۲	اثرگذاری تقوا در این نوع رفتار.....	۸۲
۳	رفتارهای اجتماعی انسان.....	۸۳
۳.۱	رفتارهای اجتماعی در حوزه خانواده.....	۸۳
۳.۱.۱	تعریف خانواده.....	۸۳
۳.۱.۲	رفتار اجتماعی «وظایف» در حوزه زوجین.....	۸۳
۳.۱.۳	رفتار اجتماعی در حوزه ارتباط فرزندان با والدین و بالعکس.....	۸۷
۳.۲	رفتار اجتماعی در حوزه جامعه.....	۹۰
۳.۲.۱	نقش تقوا در رفتارهای اجتماعی در حوزه جامعه.....	۹۳
	چکیده فصل چهارم؛.....	۹۵
	خاتمه: نتیجه‌گیری	۹۶
	• نتایج.....	۹۷
	• پیشنهادات.....	۹۸
	فهرست منابع.....	۱۰۰
	کتب فارسی:.....	۱۰۰

کتاب عربی:..... ۱۰۲

مقالات و پایان نامه ها..... ۱۰۵

سایت ها..... ۱۰۵

فصل اول: کلیات و مفاهیم

۱. کلیات

۱،۱. بیان مسئله

کمال انسان یکی از مهم‌ترین مسائل علوم انسانی است که درباب آن آثار فراوانی نوشته شده است. ازجمله مسائلی که در باب کمال انسان مطرح می‌گردد عوامل مؤثر بر کمال است. از شمار مسائل مطرح به عنوان عامل مؤثر در کمال انسان تقواست. که این نوشتار نقش تقوا در کمال انسان را بررسی می‌کند.

نقش به معنای تأثیر است که انواعی مانند زمینه سازی، جهت دهی، تقویت و شکوفایی، و رفع مانع برای آن قابل تصور است.

تقوا در اصطلاح اخلاق گاهی به اعتبار مبدأ فعل، خداترسی گفته می‌شود و گاهی به اعتبار صفتی درونی و نفسانی، ملکه‌ای نفسانی گفته می‌شود که بر اثر تکرار پرهیز از محرمات الهی در انسان پدید می‌آید و ذومراتب است و گاهی به اعتبار عینیت خارجی آن ملکه در رفتار، به ترک محرمات الهی و انجام واجبات الهی تقوا گفته می‌شود. مراد ما از تقوا در این مقال، اعم از صفت رفتاری یا ملکه ای نفسانی در انسان است که بر اثر تکرار یک نوع رفتار خاصی، به جهت ترس از به خطر افتادن سعادت ابدی در وجود انسان شکل می‌گیرد.^۱

کمال نیز صفتی وجودی است که موجودی به آن متصف می‌شود و حاکی از دارایی و غنای حقیقی یک موجود در مقایسه با موجود دیگر است. از این رو هر موجودی کمال متناسب با خود را دارد؛ ابعاد نفس عبارتند از؛ بینش‌ها «آنچه که از مقوله علم و ادراک است»، گرایش‌ها «آنچه از مقوله امیال و محبت‌های انسان است» و توانایی‌ها «آنچه که مبدأ فعالیت ما می‌شود چه فعالیت‌های جوارحی چه جوانحی»^۲. هرکدام از این ابعاد در جایگاه خود کمالاتی مختص خود را دارند که حاکی از دارایی و غنای حقیقی آن بُعد است و هرکدام به فعلیت برسد نوبت به بُعد بعدی می‌رسد و هر سه با هم دیگر که اجتماع شوند موجبات کمال نهایی و حقیقی فرد را فراهم می‌کنند یعنی این **کمالات مقدمی هستند**. بر این کمالات عواملی تأثیرگذاری دارند که یکی از آن‌ها تقواست. البته یادآوری این نکته لازم است که در بخش نقش تقوا در کمال توانشی به دلیل ظهور و بروز توانایی در رفتار به نقش تقوا در رفتار می‌پردازیم. در باب نقش تقوا در کمال انسان ابعاد مختلفی مطرح است از جمله: نقش تقوا در مراتب کمال «کمال مقدمی، کمال متوسط، کمال نهایی»، نقش تقوا در ابعاد

^۱ ر.ک. مصباح یزدی، محمدتقی، اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۷۲ و ره توشه، ج ۲، ص ۲۴۲

^۲ ر.ک. مصباح یزدی، محمدتقی، اخلاق در قرآن، ج ۲، ص ۳۱ الی ۳۵

کمال «کمال بینشی، کمال گرایشی، کمال رفتاری» لکن در این پژوهش فقط نقش تقوا در ابعاد کمال بررسی می‌شود.

با توجه به این‌که قرآن دارای ظرفیت کاملی در باب معارف والای انسانی است و با عنایت به اینکه تنها منبع یقینی، جاودانه و جامع است این موضوع را از دیدگاه قرآن بررسی می‌کنیم.

۱/۲. پرسش‌های تحقیق

پرسش اصلی «ناظر به عنوان»

از نظر قرآن نقش تقوا در کمال انسان چیست؟

پرسش‌های فرعی «ناظر به ابعاد و زوایای پرسش اصلی»

مفهوم کمال و تقوا چیست؟

از دیدگاه قرآن کریم، تقوا چه تأثیری بر کمال انسان در بعد بینشی او دارد؟

از دیدگاه قرآن کریم، تقوا چه تأثیری بر کمال انسان در بعد گرایشی او دارد؟

از دیدگاه قرآن کریم، تقوا چه تأثیری بر کمال انسان در بعد رفتاری او دارد؟

۱/۳. پیشینه تحقیق

پس از جستجوهای صورت‌گرفته، پژوهش و منبع تحقیقی یافت نشد که به طور مستقل، نقش تقوا در کمال انسان را با رویکرد تفسیر موضوعی بررسی کند. تحقیقات مرتبط با مسئله، انجام شده است؛ لکن ما را از این تحقیق بی‌نیاز نمی‌کند. برخی از این تحقیقات عبارتند از:

الف» کتب:

۱. مصباح یزدی، محمدتقی، ره توشه، ج ۲، ص ۳۶۰-۳۶۵؛ در این‌جا به معرفی مراتب تقوا و اثر آن بر بعض کمالات بینشی «فزون‌ی علم و حکمت» پرداخته شده است فلذا با فصل دوم این نوشتار مرتبط می‌باشد لکن به نقش تقوا در کمالات انسان بطور مبسوط پرداخته نشده است.

۲. آیین پرواز، در درس بیستم به مسأله تحلیل تأثیر اعمال بر ایمان پرداخته شده است؛ بدلیل این‌که تقوا به‌عنوان یک عامل و ایمان به‌عنوان یک کمال رفتاری مربوط به جوانح برای انسان محسوب می‌شوند و مسأله مورد پژوهش ما نیز نقش تقوا در نیل به ابعاد کمال انسان است با مسأله مورد پژوهش مرتبط می‌شود لکن به نقش تقوا در کمالات انسان بطور مبسوط پرداخته نشده است.

۳. عبدالله جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۱۱، ص ۲۰۵-۲۱۸؛ در این کتاب تقوا به عنوان یکی از مراحل مانع‌زدایی از سیروس‌سلوک معرفی شده است و به بعض آثار و مراتب آن به‌طور خلاصه اشاره شده است لکن به نقش تقوا در کمالات انسان بطور مبسوط پرداخته نشده است.

۴. مطهری، مرتضی، حکمت‌ها و اندرزها، ج ۱، ص ۱۶۹-۱۷۳؛ مختصراً به یکی از آثار تقوا به نام بصیرت پرداخته شده است فلذا با فصل دوم این نوشتار مرتبط می‌باشد لکن به نقش تقوا در کمالات انسان بطور مبسوط پرداخته نشده است.

۵. ——— ده گفتار ص ۲۵-۴۷؛ در این کتاب مختصراً به دو اثر تقوا بر تلطیف احساسات و فزونی حکمت عملی که دو کمال از کمالات انسانی است اشاره شده فلذا با فصل دوم این نوشتار مرتبط می‌باشد لکن به نقش تقوا در کمالات انسان بطور مبسوط پرداخته نشده است.

ب) پایان نامه‌ها:

۱. باقریان، ابوالقاسم، بررسی راههای تقویت انگیزه رفتارهای اخلاقی از دیدگاه قرآن، دکتری، قم، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی «ره»، ۱۳۹۳؛ در این رساله نویسنده از ص ۲۸۰ تا ص ۳۰۰ به بررسی نقش تقوا در کمالات رفتاری و گرایشی پرداخته است فلذا با فصل سوم و چهارم این نوشتار مرتبط می‌باشد لکن به نقش تقوا در کمالات انسان بطور مبسوط پرداخته نشده است.

۲. مساعد، علی، کارکرد تقوا در خودمهاری سازمانی از منظر اسلام، ارشد، قم، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی «ره»، ۱۳۹۳؛ در این پایان نامه نویسنده در فصل اول به تعریف تقوا و مفاهیم مرتبط با آن پرداخته و در فصل بعدی به مبانی نظری پژوهش پرداخته است و در فصل سوم به نقش تقوا در تقویت یا به فعلیت رساندن بینش‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای انسان به عنوان یک فرد در سازمان پرداخته است که بعضی این رفتارها یا بینش‌ها یا گرایش‌ها به عنوان کمالی برای انسان محسوب می‌شوند، فلذا چون مسأله مورد پژوهش ما نیز نقش تقوا در کمال انسان است با تحقیق مورد نظر مرتبط می‌گردد. لکن به نقش تقوا در کمالات انسان بطور مبسوط پرداخته نشده است.

ج) مقالات:

۱. عالم زاده نوری، محمد، عوامل تقویت اراده و افزایش قدرت عمل، مجله معرفت، شماره ۲۳۹، سال ۱۳۹۶ از ص ۳۵۲۵. در ص ۳۱ و ۳۲؛ این مقاله به تأثیر پرهیز از گناه و انجام عبادت در تقویت ایمان و اراده پرداخته است. فلذا باتوجه به اینکه ایمان و اراده هر دو از کمالات انسانی بشمار می‌آیند با فصل سوم و چهارم این نوشتار مرتبط می‌باشد لکن به نقش تقوا در کمالات انسان بطور مبسوط پرداخته نشده است.

۲. کشاورز، سوسن، نقش تقوا در سلامت جسم و روان، ماهنامه پیوند، شماره ۳۳۲، سال ۱۳۸۶؛ از ص ۱۰-۱۶؛ به نقش تقوا در روشن بینی، فهم محکمت و صبر پرداخته شده است. فلذا باتوجه به اینکه امور مذکور از کمالات انسانی بشمار می‌آیند با فصل دوم و چهارم این نوشتار مرتبط می‌باشد لکن به نقش تقوا در کمالات انسان بطور مبسوط پرداخته نشده است.

۳. محصص، مرضیه، نگره قرآن به خویش‌تنداری در رفتارهای خانوادگی، پژوهشنامه معارف قرآنی، شماره ۲۳، سال ۱۳۹۴، از ص ۳۵-۵۷؛ در این مقاله به نقش تقوا و خویش‌تنداری بر تحکیم بنیاد خانواده و وتحقق حسن معاشرت بعنوان دو کمال انسانی پرداخته شده است. فلذا باتوجه به اینکه امور مذکور از کمالات انسانی بشمار می آیند با فصل چهارم این نوشتار مرتبط می باشد. لکن به نقش تقوا در کمالات انسان بطور مبسوط پرداخته نشده است.

۱/۴. فرضیه تحقیق

ازدیدگاه قرآن کریم تقوا با تأثیرگذاری بر روی کمالات بینشی، گرایشی و رفتاری انسان موجب به فعلیت رسیدن و یا تقویت این کمالات می گردد.

۱/۵. اهمیت مسأله

اهمیت مسأله را می توان از نقش آفرینی ای که تقوا در پیش برد اهداف اخلاقی ای که قرآن برای رفتارهای انسان درنظر گرفته است پی برد. زیرا قرآن در آیات متعددی علت دستور به بعضی از رفتارها را باتقوا شدن فرد یا جامعه اعلام می فرماید. از کثرت این تعلیل در بسیاری از آیات می توان این استفاده را کرد که تقوا نقش بسزایی در نیل به کمال انسان «چه کمال افراد چه کمال جامعه» دارد که تا این حد مورد توجه ذات اقدس اله بوده است.

در باب نقش تقوا در کمال انسان در پیش برد علوم انسانی باید گفت؛ در مباحث علوم انسانی عدم شناخت کمالات بشر و چگونگی دستیابی به آنها در ابعاد روحی او موجب بحران هایی در تبویب علوم انسانی و به دنبال آن هرج و مرج در جامعه گردیده است. فی المثل در مسأله کاهش جرم های اجتماعی و اختلافات طبقاتی ای که در جوامع اتفاق می افتد اگر در علوم انسانی بابتی به عنوان شناخت و به دنبال آن شناساندن، کمالات ابعاد روحی بشر و راه نیل به آنها باز شود بدون شک موجب غنا و جهت دهی مباحث آن مسائل خواهد شد و در پی آن کاهش جرم های اجتماعی و اختلافات طبقاتی را به دنبال خواهد داشت. یا اینکه فی المثل در مسائل روان شناسی اگر به تأثیر تقوای الهی در نیل به مقاصد روحی انسان توجه شود موجب جهت گیری الهی در این علوم می گردد و به دنبال آن موجب شکوفایی استعداد های نهفته افراد و جهت گیری الهی آنان در سیر زندگی فردی می گردد. حال اگر فرد غایت خلقت انسانی را صرفاً نیل به لذائذ زودگذر دنیایی فرض کند و برای همین زندگی دنیایی کمالاتی متصور نباشد یا اینکه کمالات روحی خود را بشناسد لیک راه نیل به آنها را نشناسد قطعاً برای نیل به آن تلاش قابل توجهی انجام نخواهد داد و این عدم شناخت کمالات و یا عدم شناخت راه نیل به آنها در زندگی بشر تأثیر بسزایی خواهد گذاشت و موجب وقوع انواع افسردگی های فردی و جرم های اجتماعی و در نتیجه انجام معاصی و نافرمانی های

الهی می‌شود.

۱/۶. ضرورت تحقیق

باتوجه به اهمیت ذاتی مسأله و نقش آن در زندگی فردی و اجتماعی انسان و پیش‌برد علوم انسانی و چنان‌که در پیشینه تحقیق ثابت شد که تحقیقی با این رویکرد خاص تفسیری موضوعی قرآنی یافت نشده است ضرورت تحقیق در این باره روشن می‌شود.

۱/۷. روش و ابزار گردآوری اطلاعات:

گردآوری اطلاعات به روش مطالعه کتابخانه‌ای و فیش‌برداری و با استفاده از اسناد و مدارک است. در گردآوری اطلاعات علاوه بر منشورات کاغذی از نرم‌افزارها و پایگاه‌های داده‌رسانی نیز مدد خواهیم جست.

ابتدا با استفاده از کتب اخلاقی، مفهوم کمال و تقوا را استخراج خواهیم کرد. سپس با استفاده از رویکرد تفسیر تطبیقی، مفاهیم مرتبط با کمال، تقوا و مصادیق ابعاد کمال انسان را از آیات استخراج می‌کنیم و پس از آن به مطالعه کل آیات قرآن کریم خواهیم پرداخت تا از آیات مفهومی نیز بی‌بهره نماییم.

۱/۸. روش پردازش اطلاعات:

پردازش اطلاعات گردآوری شده به روش توصیفی-تحلیلی خواهد بود. در فصل اول پردازش بیشتر رنگ توصیفی دارد تا مفهوم مد نظر خویش را از کمال انسانی و تقوای الهی بیان کنیم و در فصل‌های بعدی پردازش اطلاعات تحلیلی خواهد بود. آیات جمع‌آوری شده به روش تفسیر موضوعی بررسی شده و با استفاده از نتیجه این تفسیر، نقش تقوا در ابعاد کمال انسان تحلیل خواهد شد.

۱/۹. اهداف و کاربردهای تحقیق

هدف کلی این پژوهش بیان انواع تأثیرگذاری‌های تقوا در ابعاد کمال انسان از منظر قرآن کریم می‌باشد.

۲. مفاهیم

از بین واژگانی که در عنوان پژوهش بکار رفته، آنچه بیش از هر چیز به مفهوم شناسی دقیقی نیاز دارد، کلمه‌ی تقوا و کمال است. مفاهیم نقش، انسان، قرآن باتوجه به روشن بودن معانی اصطلاحی آن‌ها نیازی به تعریف نخواهد داشت.

۲/۱. مفهوم شناسی تقوا

۲/۱/۱. مفهوم تقوا در لغت

واژه‌ی «تقوی» از ماده‌ی وقی می‌باشد که در دو ساختار ثلاثی مجرد به صورت «وَقَى، يَقِي، وَقْيًا، وَقَايَةً، وَقَاءً» و ثلاثی مزید از باب افتعال به شکل «إِتَّقَى، يَتَّقَى، إِتِّقَاءً» بکار می‌رود و اسم مصدر برای «إِتِّقَاء» است.^۳

اهل لغت در معنای این ماده از تعبیری استفاده کرده‌اند که همگی در معنای محوری حفظ مشترک‌اند و برخی از آن‌ها روش‌های مختلفی برای محافظت بکار برده‌اند، چرا که گاهی برای نگهداری از چیزی، لازم است آن را پوشانده و مانعی در برابر آسیب‌ها ایجاد کرد^۴ «مثل حفاظت لباس از بدن در برابر سرما»، گاهی باید شیء مورد نظر را از خطر دور کرده و بین آنها فاصله‌ای مکانی ایجاد نمود^۵ «مثل حفظ بدن از حرارت آتش» و گاهی باید با استفاده از ابزاری ضرر را دفع کرد^۶ «مثل استفاده از سپر برای جلوگیری از ضربه‌ی شمشیر». در فرایند حفظ، چهار عنصر دخالت دارند:

۱. فاعل که نقش حفظ‌کنندگی دارد و مسئولیت دفع خطر به عهده‌ی اوست.
۲. مفعول اول که مورد حفظ و مراقبت قرار می‌گیرد و سلامت نصیب او می‌شود.
۳. مفعول دوم که بخاطر ضرر و آسیب آن در برابرش برخورد دفاعی صورت می‌گیرد و غالباً منصوب به نزع خافض با تقدیر حرف «من» است.
۴. ابزار و وسیله‌ای که از آن برای حفظ و دفاع استفاده می‌شود و گاهی بصورت مجرور حرف «باء» می‌آید. از این عنصر به وقایه تعبیر می‌شود.

۳. البته خلیل بن احمد فراهیدی «۱۷۵ق» معتقد است تقوی در اصل «وَقَوَى» بر وزن فَعَلَى بوده و از فعل ثلاثی مجرد «وَقَى» گرفته شده است؛ ر.ک. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ج ۵، ص ۲۳۹. اما دیگر لغویان متأخر آن را اسم مصدر از فعل ثلاثی مزید «إِتَّقَى» می‌دانند؛ ر.ک. ابن سیده، علی بن اسماعیل، المحکم و المحيط الأعظم، ج ۶، ص ۵۹۹؛ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۴۰۲؛ فیومی، احمد، المصباح المنیر، ص ۶۶۹. به نظر می‌رسد با توجه به ریشه و وزن کلمه و معیارهای ادبی در تشخیص اسم مصدر «ر.ک. زعبلاوی، صلاح الدین»، و بخاطر تناسب تقوا و إِتِّقَاء در معنا و کاربرد، دیدگاه دوم صحیح است.

۴. ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهاية فی غریب الحديث و الآثار، ج ۵، ص: ۲۱۷

۵. ابن سیده، علی بن اسماعیل، المحکم و المحيط الأعظم، ج ۶، ص ۵۹۸. همو، المخصص، ج ۱۳، ص ۹۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۸۸۱

۶. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، ج ۶، ص ۱۳۱.

ماده‌ی وقی در ساختار ثلاثی مجرد، متعدّی به دو مفعول است و معمولاً هر دو در کلام ذکر می‌شوند اگرچه ممکن است گاهی به ابزار حفظ در آن تصریح نشود و بیشتر نقش خودِ فاعل در عملِ حفظ مورد تأکید باشد، اما در یک عبارت کامل به این صورت به کار می‌رود: «وَقَيْتُ شَيْئاً مِنْ شَيْءٍ بَشِيٍّ». این عناصر در ساختار ثلاثی مزید نیز رعایت می‌شوند، با این تفاوت که اتّقاء، یک مفعولی بوده و عنصر دوم، یعنی محفوظ، خودِ فاعل است که از جمله حذف شده و این چنین بکار می‌رود: «اتَّقَيْتُ مِنْ شَيْءٍ بَشِيٍّ».

با توجه به این که هرگاه مفعول یک فعل خود فاعل باشد، نتیجه‌ی آن فعل علّی خود شخص می‌شود مانند اتّخاذ که شخص خود را در مقام أخذ قرار می‌دهد و دهنده و گیرنده خودش است، باید گفت «اتّقوا»، همان «قوا انفسکم» است که فاعل و مفعول در عمل حفظ، خود انسان است و این بدین معناست که از بین کاربردهای معنایی باب افتعال، مصدر اتّقاء به معنای تهیه کردن مبدأ فعل است، یعنی وقایه برگرفتن و وقایه فراهم آوردن^۷، طبق این معنا که روان‌تر به نظر می‌رسد، اتّقاء یعنی انسان بگونه‌ای از خودش در برابر چیزی دفاع کند.^۸

بنابراین در معنای «تقوی» باید مفهوم خودنگهداری یا خویش‌تن‌بانی را لحاظ کنیم. البته تقوا بخاطر ویژگی اسم مصدری‌اش بر نتیجه‌ی حاصل از فرایند حفظ دلالت می‌کند و به حالتی گفته می‌شود که انسان خود را در پوششی محافظ قرار داده باشد. چنان که راغب اصفهانی می‌گوید: «التَّقْوَى جَعْلُ النَّفْسِ فِي وَقَايَةٍ مِمَّا يَخَافُ».^۹

نکته‌ی قابل توجه این که بر اساس تعریف بعض لغویین^{۱۰}، مفهوم «خوف» نیز در معنای کلمه تقوا دخیل است. در واقع شیء مورد احتراز «عنصر سوم»، که انسان از ضرر ناشی از آن می‌ترسد در تعریف ایشان دخیل در معنای تقوا می‌باشد. البته باید به رابطه‌ی دو مفهوم خوف و تقوا توجه داشت تا در معادل‌یابی و تصور دقیق معنا دچار خلط نشویم و آن‌ها را به یک معنا فرض نکنیم، چرا که خوف لازمه تقوا و یکی از مبادی آن به شمار می‌رود و همین امر باعث می‌شود که این دو گاهی بجای یکدیگر بکار روند. بنابراین تعریف «تقوا» به ترس، تعریف به معنایی التزامی و مجازی است.

^۷ ر.ک. حسینی طهرانی، هاشم، علوم العربیة، ج ۱، ص ۸۴؛ مصطفی، سید عبدالحمید، الأفعال فی القرآن الکریم، ج ۳، ص ۱۴۶۷؛ محمد عبدالخالق عظیمه، دراسات لاسلوب القرآن الکریم، قسم ۲، جزء ۱، ص ۵۱۷؛ اندلسی، ابوحيان

محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، ج ۱، ص ۵۸.

^۸ ابراهیم، شمس، الفعل فی القرآن الکریم، تعدیته و لزومه، ص ۶۵۸؛ همچنین ر.ک. همان، ص ۳۳۵.

^۹ راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۸۸۱.

^{۱۰} راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۸۸۱؛ عسگری، حسن بن عبدالله، الفروق فی اللغة،

یعنی سبب بجای مسبب قرار گرفته است. زیرا غالباً تا انسان از چیزی نترسد، تقوا و حفظ نفس، مفهومی پیدا نمی‌کند و ترس، انسان را وادار می‌کند تا خویشتن را از خطر حفظ کند.^{۱۱} به همین خاطر برخی معتقدند مفهوم خوف در تقوا اشراب شده، یعنی تقوا، حفظ نفس همراه با خوف است.^{۱۲}

۲،۱،۲. مفهوم اصطلاحی تقوا

باتوجه به این که اصطلاح تقوا به طور کلی یک اصطلاح قرآنی و روایی می‌باشد و پژوهش حاضر سعی بر نگرش قرآنی نسبت به موضوع دارد سراغ ویژگی‌ها و تعریف اصطلاح قرآنی تقوا می‌رویم.

۲،۱،۳. کاربرد قرآنی تقوا

ماده‌ی «وقی» ۲۵۸ بار در قرآن بکار رفته که ۱۹ مرتبه از آن در قالب ثلاثی مجرد «وَقَى، يَقِي، وَقِيًا، وَقَايَةً، وَقَاءً» و بقیه در ساختار ثلاثی مزید از باب افتعال «إِتَّقَى، يَتَّقَى، اتَّقَاءً» آمده است. برخی از موارد ناظر به معنای اصطلاحی تقوا نیستند که در این میان باید آیات مربوطه مشخص شوند. بطور کلی کاربردهای ماده وقی «اعم از ثلاثی مزید و مجرد» را می‌توان به لحاظ عناصر فرایند حفظ و مراقبت به صورت زیر دسته‌بندی و گزارش کرد:

الف مواردی که فرایند حفظ در آنها ناظر به زندگی دنیا است و تمام عناصر دخیل در جمله یعنی شیء آسیب‌زا، آسیب‌زدا و آسیب‌پذیر، محسوس و مادی هستند:

(۱) «...وَجَعَلَ لَكُم سَرَائِيلَ تَقِيَكُمُ الْحَرَّ وَ سَرَائِيلَ تَقِيَكُمُ بَأْسَكُمْ...» (نحل، ۸۱)؛ این آیه بر محافظت

لباس از بدن انسان در برابر گرما و صدمات جنگی دلالت می‌کند.

(۲) «... لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ

إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً...» (آل عمران، ۲۸)؛ شیء مورد اتقاء در این آیه که با حرف «من» بیان

شده، آزار و اذیت دشمنان و خطرهای جانی یا مالی آنهاست، و رفتاری که سبب در امان ماندن

مؤمنین از این خطر می‌شود، تقیه، به معنای مخفی کردن اعتقاد و تظاهر به خلاف آن است.^{۱۳}

«تقاة» همانند تقوا اسم مصدر از اتقاء است.

(۳) «وَأَتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَعَلَّمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (انفال، ۲۵)؛ مراد

^{۱۱} کریمی قدوسی، محسن، فرایند شکل‌گیری تقوا از دیدگاه قرآن، پایان‌نامه ارشد، موسسه آموزشی پژوهشی امام

خمینی «ره» ص ۸

^{۱۲} مصباح یزدی، محمد تقی، اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۷۸.

^{۱۳} مصباح یزدی، محمد تقی، اخلاق در قرآن، ج ۳، ص ۳۴۷؛ همو، جانها فدای دین، ص ۲۹.

از فتنه در اینجا اختلاف امت اسلامی در زندگی اجتماعی است که باید از آن پرهیز شود.^{۱۴} این قسم که شامل پنج مورد از کاربردها می‌شود، دلالتی بر معنای اصطلاحی تقوا ندارد. ب «واردی که عمل وقایه در آنها مربوط به حیات دنیوی انسان است، شیء مضر هم در همین دنیا ملموس و مشهود است، ولی شخص محافظ در آن خداوند متعال است:

(۱) «... فَوَقَاهُ اللَّهُ سَبِيَّاتٍ مَا مَكْرُوا...» «غافر، ۴۵»؛ در این عبارت، نیروی غیبی خداوند حفظ کننده‌ی مؤمن

آل فرعون از گزند نقشه‌ها و توطئه‌های فرعونیان در این دنیا است.

(۲) «أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ آثَاراً فِي الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ» «غافر، ۲۱»؛ در این آیه هرگونه وقایه و دفاعی در برابر مجازات دنیوی خداوند برای گنهکاران نفی شده است.

این قسم هم که تنها دو شاهد مثال دارد، از دایره کاربردهای تقوای اصطلاحی خارج است.

ج «واردی که فرایند حفظ در آنها به زندگی اخروی انسان ارتباط دارد، خطر تهدید کننده هم از امور غیبی و غیرمادی است، شخص نجات دهنده نیز پروردگار متعال است:

(۱) «فَاكِهِينَ بِمَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ وَ وَقَاهُمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ» «طور، ۱۸» و یا «الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّا

آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ» «آل عمران، ۱۶»؛ این دو آیه و نظایر آنها آیاتی هستند

که بصورت دعایی یا خبری، خداوند را نگهدار انسان از عذاب آخرت معرفی می‌کنند.^{۱۵}

(۲) «لَهُمْ عَذَابٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ لَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَقُّ وَ مَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ» «رعد، ۳۴»؛ طبق

این آیه کفار در برابر عذاب اخروی خداوند بی دفاع هستند.^{۱۶}

(۳) «أَفَمَنْ يَتَّقِي بِوَجْهِهِ سُوءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَقِيلَ لِلظَّالِمِينَ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ» «زمر، ۲۴»؛

در اینجا بصورت استفهام انکاری بین اهل عذاب و ایمان از آن مقایسه شده و با استفاده

از ساختار اتقاء و عناصر آن، شخصی به تصویر کشیده شده که در برابر عذاب سخت روز

^{۱۴} ر.ک. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۵۰.

^{۱۵} برای آگاهی از نمونه‌های بیشتر ر.ک. آل عمران، ۱۹۱؛ غافر، ۷، ۹؛ دخان، ۵۶؛ انسان، ۱۱.

^{۱۶} در آیه دیگری نظیر آن «رعد، ۳۷»، خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) هشدار می‌دهد که اگر از هوای

نفس مشرکین تبعیت کنی، در برابر خداوند سرپرست و نگهداری نخواهی داشت. نکته قابل توجه اینکه در این

آیات عنصر سوم فرایند حفظ با حرف «مِنْ» نشان داده شده است.

قیامت، وسیله‌ی دفاعی جز صورتش ندارد.

۴) «مَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (حشر، ۹ و تغابن، ۱۶)؛ در این آیه نیز سعادت اخروی انسان مشروط به مصون ماندن او از شرّ بخل و حرص درونی‌اش شده، حفظ کننده‌ی واقعی خداوند است و به فعالیت خود انسان در جایگاه حفظ بطور مستقیم اشاره نشده است.

این قسم که ۱۲ مورد از کاربردها را شامل می‌شود نیز بر تقوای اصطلاحی دلالت ندارد، مگر اینکه بگوییم در شماره ۱ و ۴، نگهداری خداوند از انسان منوط به اقدام و حرکت خود اوست و فقط بر نقش خداوند در فرایند تقوا تأکید شده است.

۵) مواردی که مربوط به صیانت اخروی انسان هستند، شیء مورد احتراز در آنها نیز امری غیبی و ماورائی است، اما فرایند حفظ در آنها به خود انسان نسبت داده شده است:

۱) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ...» (تحریم، ۶)؛ در این

قالب ثلاثی مجردی، مؤمنین مأمور به حفظ خود و اهلشان در برابر آتش شده‌اند.

۲) «فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ» (بقره، ۲۴)؛

این آیه که در آن از فعل امر اتقاء استفاده شده، از نظر اجزاء و عناصر ترکیبی، متناظر با مورد

قبلی است و دقیقاً همان معنا از آن فهمیده می‌شود.

این قسم از کاربردهای ماده‌ی وقی، که بیشتر شامل گونه‌های فعلی و اسمی از خانواده‌ی اتقاء می‌شود^{۱۷}، بر نوعی خودنگهداری دینی و معنوی توسط انسان دلالت دارد که می‌توان از آن با عنوان **تقوای قرآنی یاد کرد**.^{۱۸} از خانواده وقی امر إتقوا با بیش از ۷۰ مرتبه تکرار که عموماً در آیات مدنی نازل شده است و سپس واژه المتقین با بیش از ۴۰ مرتبه تکرار در بین آیات مکی و مدنی پرکاربردترین واژگان می‌باشند.

^{۱۷} به عنوان نمونه هایی از ساختار «اتقاء» می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: اسم مصدر مانند التَّقْوَى (بقره، ۱۹۷)، فعل

ماضی مانند إَتَقَى (بقره، ۱۸۹)، إَتَقُوا (مائده، ۶۵)، إَتَقَيْنَ (احزاب، ۳۲)، فعل مضارع مانند يَتَقَى (زمر، ۲۴)،

يَتَقُونَ (يوسف، ۹۰)، يَتَّقُونَ (بقره، ۱۸۷)، تَتَّقُونَ (نحل، ۵۲)، تَتَّقُوا (محمد، ۳۴)، فعل امر مانند إِتَّقِ (احزاب، ۱)،

إِتَّقُوا (حشر، ۱۸)، إِتَّقِينَ (احزاب، ۵۵)، اسم فاعل مانند الْمُتَّقُونَ (انفال، ۳۴)، الْمُتَّقِينَ (مرسلات، ۴۱)، صفت مشبّهه

مانند تَقَى (مریم، ۱۳)، اسم تفضیل مانند أَتَقَى (حجرات، ۱۳).

^{۱۸} . تقسیم بندی از: کریمی قدوسی، محسن، فرایند شکل گیری تقوا از دیدگاه قرآن، پایان نامه ارشد، موسسه آموزشی

پژوهشی امام خمینی «ره» ص ۸

برخی نکات مهم و کلیدی در باب تقوا که در این پژوهش مفروض قرار گرفته است:

۱. تقوا مسأله‌ای اختیاری است. بدلیل امر به تقوا در بسیاری از آیات؛ زیرا تا اختیاری در بین نباشد امر به انجام کاری تعلق نمی‌گیرد؛ «...قُوا أَنْفُسَكُمْ...» تحریم، ۶.
۲. خطر مورد احتراز از ناحیه خود فاعل مختار و متوجه سعادت ابدی و کمال لایق وی است^{۱۹} «...مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَى، نساء، ۷۷».
۳. مؤثر بر تمامی ابعاد وجودی انسان است «اعم از جوارحی و جوانحی» بدلیل وجود آیاتی که اشاره به تقوای قلب و تقوای اعمال دارد مانند: مثلاً در آیه‌ی شریفه «الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمْهُ اللَّهُ وَ تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى وَ اتَّقُونِ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ» بقره، ۱۹۷، پس از بیان الزاماتی در مناسک حج، صاحبان عقل را به کسب بهترین توشه که انجام کارهای خیر و تقوا است، سفارش می‌کند، تا علم از عمل جدا نباشد^{۲۰} که اشاره به تقوای اعمال دارد و آیه شریفه «وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» حج، ۳۲ که با نسبت دادن تقوا به قلب‌ها، صراحتاً آن را امری معنوی و درونی معرفی می‌کند که جایگاه اصلی آن در دل انسان است و تعظیم شعائر الهی به عنوان یک رفتار ظاهری از آن سرچشمه می‌گیرد.
۴. تشکیکی و دارای مراتب است^{۲۱} بدلیل وجود آیات؛ «... هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ، بقره، ۲» که اشاره به اولین مرتبه تقوا «تقوای فطری» دارد^{۲۲} و «فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ؛ تَغَابِن، ۱۶» و «اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ؛ آل عمران، ۱۰۲» و آیاتی با کاربرد أَفْعَل تفضیل برای تقوا مانند آیه‌ی شریفه «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ؛ حجرات، ۱۳».
۵. متعلق آن گاهی ذات اقدس الهی است «در هشتاد و پنج مورد» مثل؛ «اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ؛ آل عمران، ۱۰۲» و «... وَ اتَّقُونِ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ» بقره، ۱۹۷ در سه مورد متعلق آن روز قیامت «فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ، بقره، ۲۴» گاهی هم «حدود صد مورد» متعلق آن ذکر نشده «... هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ، بقره، ۲».
۶. تقوای قرآنی گاهی از طریق بیان مصادیق رفتاری انجام واجبات و ترک محرمات معرفی شده

^{۱۹} اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۷۱

^{۲۰} طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۷۹.

^{۲۱} طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۱۹۰

^{۲۲} همان، ج ۱، ص ۴۵

است؛ ^{۲۳} «لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ، بقره، ۱۷۷» و گاهی عبارت است از ملکه نفسانی و صفتی پایدار ^{۲۴} «.....إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ، مائده، ۲۷»

۷. محور و انگیزه انجام و ترک افعال ذات اقدس الهی است و فرد در همه کارها خداوند را در نظر دارد و با دقت تمام، طوری رفتار می کند که موجب خشنودی و رضایت ذات اقدس الهی شود، حتی در مواردی که متعلق تقوا قیامت و یا عذاب آن روز عظیم است. زیرا فرد متقی فاعل بالاصاله و مدبر و مؤثر حقیقی را فقط ذات اقدس الهی می بیند. ^{۲۵}

۸. تقوای قرآنی به صورت غیر مستقیم متضمن ایمان به خدا و جمیع ما انزل الله نیز هست. ^{۲۶}

۹. علاوه بر دستور مستقیم به تقوا، تمام امر و نهی های قرآن، همچنین وعد و وعید، مدح و نکوهش، انذار و تبشیر، ثواب و عقاب ملازم با امر به تقوا است و اگر به دنبال یکی از این امور اثری مترتب شده، از آثار تقوا محسوب می شود. بنابراین در این پژوهش این گونه آیات که متضمن تعریف اصطلاحی تقوا می باشد، موضوع پژوهش ما نیز هست.

۱۰. در آیات قرآن کریم از واژه گانی استفاده شده که با مفهوم اصطلاحی تقوا یا متقارب المعنا هستند مانند حذر «وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ، بقره، ۲۳۵»، حفظ «وَأُزِلَّتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ، هَذَا مَا توعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيزٍ، ق، ۳۱-۳۲» و یا با مفهوم تقوا تقابل معنایی دارند مانند فجور «فَالْهَمُّهَا فُجُورُهَا وَتَقْوَاهَا، شمس ۸»، فسوق «وَيُنَجِّي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ، زمر، ۶۱»، شخص فاسق با ارتکاب کفر یا معصیت، از آن قلعه خارج شده و عذاب اخروی بی واسطه به او خواهد رسید؛ «يَمَسُّهُمْ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ، انعام، ۴۹»، طغیان «إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَآبٍ، جَنَاتٍ عَدْنٍ مُمْتَحِنَةً لَهُمُ الْأَبْوَابُ... وَإِنَّ لِلطَّاغِينَ لَشَرَّ مَآبٍ، جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمِهَادُ، ص، ۴۹-۵۹» و تعدی «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ، بقره، ۲۲۹» این تذکر، درست نظیر توصیه به تقوا در انتهای آیاتی است که احکام و قوانین الهی را بیان می کند؛ «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ

^{۲۳} مصباح یزدی، محمدتقی، اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۷۰

^{۲۴} همو، ره توشه، ج ۲، ص ۲۴۴.

^{۲۵} همو، اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۷۴

^{۲۶} طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۵

بَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ، بقره، ۱۷۸» که این گونه واژگان در این آیات برای تشخیص جایگاه تقوا و مرزبندی آن با سایر مفاهیم ما را یاری می‌کند. بنابراین از این گونه آیات در این پژوهش استفاده خواهیم کرد.^{۲۷}

۲/۱/۴. جمع بندی و تعریف مورد نظر

باتوجه به ویژگی‌های فوق، تقوا از دیدگاه اسلام به این معناست که انسان از خطری بترسد که از فعل اختیاری خود یا ترک آن متوجه سعادت ابدی او می‌شود، و بینش توحیدی می‌گوید: این خطر درنهایت به دست خداوند به او خواهد رسید و در برابر این خطر، کاری کند که چنین خطری متوجه او نشود. کسی را که در برابر چنین خطری دست به چنین کاری می‌زند «متقی» و این رفتار ویژه او را «تقوا» گویند. بنابراین تقوا عبارتست از یک نوع رفتار خاصی که انسان به جهت ترس از به خطر افتادن سعادت ابدی در پیش می‌گیرد.^{۲۸}

۲/۲. مفهوم شناسی کمال

۲/۲/۱. مفهوم لغوی کمال

واژه «کمال» از ماده «كَمَلَ يَكْمُلُ كَمَالًا وَ كَمُلَ يَكْمُلُ فَهُوَ كَامِلٌ» هم به عنوان مصدر هم به عنوان اسم مصدر در مورد ذوات و صفات استعمال می‌شود.^{۲۹} معنای مصدری این واژه در لغت عبارت است: از بدست آوردن یا حاصل شدن آنچه که غرض و مقصود آن چیز است.^{۳۰} و معنای اسم مصدری آن مساوی با تمام ذکر شده است. البته یادآوری این نکته لازم است که برخی از اهل لغت کمال را در معنای مصدری هم مساوی تمام دانسته‌اند.^{۳۱} و نظر برخی دیگر بر این است که مفهوم واژه کمال متفاوت از تمام و بالاتر از آن است.^{۳۲}

^{۲۷} ر.ک. کریمی قدوسی، محسن، فرایند شکل گیری تقوا در قرآن، پایان نامه ارشد، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، ص ۴۰-۴۹

^{۲۸} همو، اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۷۲

^{۲۹} فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، ج ۲، ص ۵۴۱.

^{۳۰} راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، ص ۷۲۶.

^{۳۱} ر.ک: ابن فارس، احمد ج ۵، ص ۱۳۹ و ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، ج ۱۰، ص ۱۴۸ و ابن منظور،

لسان العرب، ج ۱۲، ص ۱۵۶. خلیل بن احمد الفراهیدی، ج ۵، ص ۳۷۸ و ۳۷۹.

^{۳۲} فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، ج ۲، ص ۵۴۱. ر.ک: ابوهلال عسکری، حسن بن علی، الفروق فی اللغة، ص ۲۵۸.

۲/۲/۲. تفاوت کمال و تمام

طبق نظری که کمال با تمام مساوی است، اگر کمال وصف چیزی واقع شود، با کامل شدن اجزاء آن هدف نهایی از آن حاصل و شیء تام الخلقه می‌شود. بی‌شک در این صورت، شیء یا کامل است یا ناقص طبق این نظر کمال مراتب نخواهد داشت و نمی‌توان از کمال بیشتر یا کمال کمتر صحبت کرد؛ زیرا تمام شدن اجزای آن و غرض نهایی آن شیء، بیش از یکی نیست و اگر اجزا تمام شد و غرض حاصل شود، کامل می‌شود و گرنه ناقص خواهد بود. لکن در صورتی که کمال متفاوت از تمام باشد، کمال ذو مراتب و مراتب آن متفاوت از تمامیت اجزاء آن خواهد بود.

حال باتوجه به دلیل کسانی که معنای کمال را متفاوت از تمام می‌دانند به نظر می‌رسد، کمال مفهومی متفاوت از تمام دارد. زیرا؛

در عرف اهل لغت «تمام» در مورد جمع شدن اجزای یک چیز استعمال می‌شود. و آن شیء تنها در صورت جمع شدن همه اجزایش اثر بخش خواهد بود؛ ولی واژه «کمال» در باره اموری استعمال می‌شود که هر جزئی که محقق شود متناسب با خود، اثرگذار است.^{۳۳} همچنین «تمام» صفت شیئی قرار می‌گیرد که همه آنچه برای اصل وجود آن لازم است به وجود آمده باشد؛ اما «کمال» در جایی است که یک شیء بعد از آنکه همه اجزاء آن ایجاد شد باز درجه ی بالاتری هم می‌تواند داشته باشد. اگر این کمال برای شیء نباشد باز خود شیء هست، ولی با داشتن این کمال یک پله بالاتر رفته است. از این رو وقتی چیزی در جهت افقی به نهایت و حد آخر خود برسد، می‌گویند تمام شد و زمانی که در جهت عمودی بالا رود می‌گویند کمال یافت.^{۳۴}

قرآن کریم نیز واژه «کمال» را در معنایی نزدیک به «تمام» به کار برده است؛^{۳۵} لکن با آن تفاوتی نیز دارد.

مرحوم علامه طباطبایی «رحمه الله» در باب تفاوت کمال با تمام و این که کمال معنایی وسیع‌تر از تمام دارد چنین می‌گویند:

آثار موجودات دو نوع است: یک نوع از موجودات وقتی اثر خود را می‌بخشند

۳۳. ر.ک. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۷۹. ر.ک: ابوهلال عسکری، حسن بن علی، الفروق فی اللغة، ص ۲۵۸.

۳۴. مجموعه آثار شهید مطهری. ج ۲۳، ص ۹۸ و ۹۹. ر.ک. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، ج ۲، ص ۵۴۱. ر.ک. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۷۵.

۳۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۷۹.